



سازمان بورس و اوراق بهادار
SECURITIES & EXCHANGE ORGANIZATION

مدیریت ریسک در نهادهای مالی

رضا عیوض‌لو

آبان ماه سال ۱۴۰۴

در شرایط عدم قطعیت و افزایش نوسانات اقتصادی، مدیریت ریسک برای نهادهای مالی به دلیل موارد زیر ضروری است:

- حفاظت متداوم از ارزش دارایی‌های مالی

- حفظ ثبات

- رعایت مقررات

ثبات مالی : وضعیتی که سیستم مالی (واسطه‌های مالی، بازارها و زیرساخت بازارها) قادر به تحمل شوک‌ها و رفع عدم تعادل‌های مالی باشند.

همچنین مدیریت ریسک از نظر نهادهای ناظر به دلیل موارد زیر ضروری است:

- جلوگیری از ریسک سیستمی

- رشد بلندمدت اقتصادی

- جلب اعتماد عمومی (سرمایه‌گذاران و مشتریان نهادهای مالی)

از منظر نهاد ناظر مدیریت ریسک صرفاً ابزاری برای حفاظت از منابع یک نهاد مالی نیست، بلکه سازوکاری حیاتی برای صیانت از ثبات و سلامت کل نظام مالی است تا از بروز اختلالات سیستمی و سرایت بحران‌های مالی پیشگیری کند.

یک چارچوب مدیریت ریسک قوی معمولاً شامل موارد زیر است:

- **تشخیص ریسک‌های بالقوه:** تشخیص ریسک‌های بالقوه مانند ریسک اعتباری، ریسک بازار، ریسک عملیاتی و ریسک انطباق.
- **ارزیابی ریسک:** احتمال وقوع یک رویداد ریسکی و اندازه اثر مالی احتمالی در صورت وقوع آن ریسک.
- **کاهش ریسک:** اجرای کنترل‌ها و استراتژی‌هایی برای کاهش مواجهه با ریسک از قبیل متنوع‌سازی، پوشش ریسک، ایمن‌سازی پرتفوی.
- **نظارت و گزارش‌گری:** پیگیری مداوم شاخص‌های ریسک و گزارش‌گری به ذینفعان جهت حصول اطمینان از قرار گرفتن ریسک در سطح قابل قبول.
- **ساختار حکمرانی ریسک:** فرایند مدیریت ریسک و تعریف نقش‌ها و مسئولیت‌ها، که اغلب توسط یک کمیته ریسک یا مدیر ارشد ریسک نظارت می‌شود.

شناسایی ریسک اولین گام در فرآیند مدیریت ریسک است و هدف آن، تشخیص نظام‌مند تمامی عوامل بالقوه‌ای است که می‌توانند بر اهداف، سودآوری و پایداری نهاد مالی اثر منفی بگذارند. در این مرحله، ریسک‌ها از طریق تحلیل فعالیت‌ها، بررسی فرآیندهای عملیاتی و ارزیابی محیط درونی و بیرونی نهاد شناسایی می‌شوند.

انواع اصلی ریسک در نهادهای مالی:

- 01 **ریسک اعتباری – Credit Risk:** احتمال نکول یا ناتوانی طرف مقابل در ایفای تعهدات مالی.
- 02 **ریسک بازار – Market Risk:** زیان ناشی از تغییرات نامطلوب در نرخ بهره، نرخ ارز، قیمت سهام یا کالا.
- 03 **ریسک نقدینگی – Liquidity Risk:** ناتوانی در تأمین وجوه لازم برای تعهدات کوتاه‌مدت بدون ایجاد زیان قابل توجه.
- 04 **ریسک عملیاتی – Operational Risk:** زیان ناشی از ضعف در فرآیندها، خطای انسانی، نقص سامانه‌ها یا رویدادهای خارجی.
- 05 **ریسک قانونی و انطباق – Legal & Compliance Risk:** احتمال زیان ناشی از نقض قوانین، مقررات یا دستورالعمل‌های نظارتی.
- 06 **ریسک راهبردی – Strategic Risk:** پیامدهای منفی ناشی از تصمیمات مدیریتی اشتباه یا تغییرات محیط کلان اقتصادی.

چهارچوب مدیریت ریسک – ارزیابی ریسک

نکته کلیدی در ارزیابی ریسک: برآورد اثر هر ریسک کل پرتفوی نهادهای مالی

سنجش ریسک: ارتباط مستقیم با سود و زیان

تغییرات کوچک در عوامل ریسک: تأثیر قابل توجهی بر سود و زیان واقعی پرتفوی

تحلیل کمی ریسک	تحلیل کیفی ریسک
با استفاده از مدل‌های آماری و اقتصادسنجی برای برآورد احتمال زیان و اثرات مالی آن Stress Testing Scenario Analysis	بر مبنای قضاوت کارشناسی و شاخص‌های ذهنی (مانند شدت اثر، احتمال وقوع و سطح آسیب‌پذیری)

• Scenario Analysis

- تحلیل سناریو: روشی برای ارزیابی آثار بالقوه تغییرات شدید یا غیرمنتظره در متغیرهای کلان اقتصادی، بازارهای مالی یا محیط عملیاتی بر وضعیت مالی نهاد.
- تعریف چند «سناریوی ممکن»، نمایانگر شرایط مختلفی از آینده.
- محاسبه تأثیر هر سناریو بر شاخص‌های کلیدی عملکرد (مانند سودآوری، نقدینگی، نسبت کفایت سرمایه و ارزش پرتفوی).
- هدف، سنجش میزان تاب‌آوری نهاد در برابر نوسانات شدید و شناسایی نقاط آسیب‌پذیر پیش از وقوع بحران.

• Stress Test

- آزمون استرس: یک تحلیل یا شبیه‌سازی برای تعیین توانایی یک ابزار مالی یا موسسه مالی معین برای مقابله با یک بحران اقتصادی
- انجام آزمون استرس به جای انجام پیش‌بینی مالی بر اساس "بهترین تخمین"
- بررسی میزان مقاومت یک ابزار مالی در سقوط‌های خاص.

ساختار حکمرانی ریسک، فرایندی است جهت حصول اطمینان از اجرای درست وظایف پرسنل نهاد مالی در چهارچوب مدیریت ریسک که شامل مجموعه‌ای از اصول، ساختارها و فرآیندها است که تضمین می‌کنند مدیریت ریسک در تصمیم‌گیری‌های کلیدی سازمان نقش فعالی دارد.

در نهادهای سرمایه‌گذاری، دو ویژگی اساسی در حکمرانی مؤثر ریسک وجود دارد:

استقلال واحد ریسک: واحد مدیریت ریسک باید از واحد سرمایه‌گذاری مستقل باشد تا تضاد منافع کاهش یابد و تصمیمات بدون سوگیری اتخاذ شوند.

چارچوب ریسک منعطف و مستحکم: باید شامل سیاست‌ها، حدود مجاز ریسک، فرآیندهای ارزیابی و مستندسازی ریسک باشد تا با اهداف عملکردی و سطح ریسک‌پذیری سازمان هم‌راستا شود. همچنین تعامل و همکاری مستمر بین مدیران پرتفوی و مدیران ریسک ضروری است تا بین بازده و ریسک تعادل برقرار شود و از بروز بحران‌های آتی جلوگیری گردد.

در چارچوب پیشنهادی، ساختار حکمرانی ریسک بر پایه مدل سه خط دفاعی Three Lines of Defence Model طراحی می‌شود:

♦ خط اول دفاعی: مدیران عملیاتی (مدیر پرتفوی/مدیر معاملات)

- مسئولیت اصلی: مدیریت روزانه ریسک سرمایه‌گذاری
- ارزیابی ریسک کلی پرتفوی پیش از انجام هر معامله
- بهره‌گیری از شاخص‌ها و مدل‌های متناسب با استراتژی سرمایه‌گذاری و اشتراک نتایج با لایه دوم

♦ خط دوم دفاعی: واحد ریسک مستقل (Independent Risk Review)

- یک لایه نظارتی مستقل: گزارش مستقیم به مدیرعامل (CEO) یا مدیر عملیاتی ارشد (COO)
- نقش: بررسی فرآیندهای ریسک، پیشنهاد اصلاح و حصول اطمینان از رعایت استانداردهای صنعت
- هدف اصلی: جلوگیری از سوگیری تصمیمات سرمایه‌گذاری و ارتقای انضباط سازمانی

♦ خط سوم دفاعی: کمیته ریسک (Group Risk Committee)

- فعالیت زیرنظر مستقیم هیئت‌مدیره
- مسئول نهایی نظارت بر ریسک‌های کلان و تصویب اسناد کلیدی مانند پروفایل ریسک پرتفوی (PRP)، حدود سخت و نرم ریسک و بررسی تخطی‌ها
- برگزاری جلسات کمیته ریسک به صورت دوره‌ای (ماهانه یا فصلی) و پایش عملکرد کلی واحدهای سرمایه‌گذاری/عملیاتی

GRC

Governance, Risk, and Compliance

حکمرانی شرکتی، ریسک و انطباق

چارچوب جامع حکمرانی، مدیریت ریسک و انطباق است که با هدف ایجاد هماهنگی، شفافیت و پاسخ‌گویی در کل سازمان طراحی شده است.

GRC به صورت **چتری** است که سایر رویکردها زیرمجموعه آن هستند.

IRM

Integrated Risk Management

مدیریت یکپارچه ریسک

متمرکز بر مدیریت روزمره ریسک، تحلیل لحظه‌ای و افزایش چابکی سازمان بر برابر تهدیدها است.

رویکرد از **پایین به بالا** که داده‌های ریسک عملیاتی، مالی و فناورانه را در یک **بستر واحد** تلفیق می‌کند

ERM

Enterprise Risk Management

مدیریت ریسک سازمانی

متمرکز بر مدیریت ریسک‌های استراتژیک در سطح کل سازمان.

رویکرد از **بالا به پایین** با هدف هدایت مدیران ارشد و هیئت‌مدیره دارد.

هدف اصلی: تقویت مقررات احتیاطی خرد Microprudential Regulation و افزودن چارچوب کلان احتیاطی Macroprudential Framework به منظور افزایش ثبات مالی جهانی.



تمرکز بازل III بر چهار محور اصلی است:

۱. سرمایه Capital

- افزایش حداقل سرمایه عادی سهام Common Equity به ۴,۵٪ از دارایی‌های موزون شده به ریسک.
- ایجاد بافر حفاظتی سرمایه Capital Conservation Buffer به میزان ۲,۵٪ که مجموعاً سطح سرمایه عادی را به ۷٪ می‌رساند.
- تعریف بافر ضد چرخه‌ای Countercyclical Buffer بین ۰ تا ۲,۵٪ برای دوره‌های رشد بیش از حد اعتبار.
- امکان تبدیل یا حذف ابزارهای سرمایه‌ای در زمان عدم توان ادامه فعالیت بانک، برای کاهش ریسک‌های سیستمی و اخلاقی.

۲. نقدینگی Liquidity

- نسبت پوشش نقدینگی Liquidity Coverage Ratio- LCR : الزام بانک‌ها به نگهداری دارایی‌های نقد با کیفیت بالا برای پوشش خروج وجوه در سناریوی تنش ۳۰ روزه.
- نسبت تأمین مالی پایدار خالص Net Stable Funding Ratio- NSFR : تضمین تطابق ساختار منابع و مصارف و کاهش عدم تعادل نقدینگی بلندمدت.
- پایش نظارتی: استفاده از شاخص‌های مشترک کوتاه‌مدت و بلندمدت برای رصد روندهای ریسک نقدینگی در سطح بانک و کل سیستم بر پایه‌ی «اصول مدیریت سالم ریسک نقدینگی» مصوب سال ۲۰۰۸ کمیته بازل.

III. پوشش ریسک و نسبت اهرمی Risk Coverage & Leverage Ratio

- بازنگری در روش‌های استاندارد محاسبه ریسک‌های اعتباری (Credit Risk)، بازار (Market Risk)، تعدیل ارزش اعتباری (CVA Risk)، عملیاتی (Operational Risk)
- محدودسازی استفاده از مدل‌های داخلی برای افزایش شفافیت و مقایسه‌پذیری.
- اعمال نسبت اهرمی (Leverage Ratio) شامل اقلام خارج از ترازنامه برای کنترل رشد اهرم در سیستم بانکی.
- سخت‌گیری بیشتر در ریسک طرف مقابل و اوراق بهادارسازی برای کاهش وابستگی به رتبه‌بندی‌های بیرونی.

IV. انضباط بازار و نظارت Market Discipline & Supervision

- ستون دوم Pillar 2: تمرکز بر حکمرانی شرکتی، مدیریت ریسک کلان، جبران خدمات، ارزش‌گذاری دارایی‌ها، استرس‌تست و کنترل نرخ بهره در صورت‌های مالی بانک.
- ستون سوم Pillar 3: ایجاد چارچوب جامع افشاگری و داشبورد شاخص‌های کلیدی احتیاطی برای افزایش شفافیت بازار.
- سایر الزامات: تعریف بانک‌های سیستمی مهم G-SIBs و D-SIBs با الزامات جذب زیان بالاتر. اجرای رژیم «محدودیت تمرکز ریسک» Large Exposures Regime برای کنترل وابستگی میان نهادهای مالی.

تحول دیجیتال

با دیجیتالی شدن نهادهای مالی، ریسک سایبری و حریم خصوصی داده‌ها به نگرانی‌های اصلی تبدیل شده‌اند.

الزامات نظارتی

رعایت استانداردهای بین‌المللی (مانند بازل ۳) و مقررات داخلی به طور فزاینده‌ای پیچیده است.

نوسانات اقتصادی

رویدادهای جهانی (مانند تورم، تنش‌های ژئوپلیتیکی) نیازمند استراتژی‌های ریسک تطبیقی هستند.

- مدیریت ریسک مؤثر فقط به معنای اجتناب از ضرر نیست - بلکه به معنای فراهم کردن رشد، نوآوری و تاب‌آوری است. با انتخاب چارچوب مناسب، نهادهای مالی می‌توانند استراتژی‌های ریسک را با اهداف تجاری همسو کرده و با اطمینان خاطر، عدم قطعیت را مدیریت کنند.

- ایجاد توازن میان استقلال، شفافیت و همکاری بین بخش‌ها حیاتی است.

- حکمرانی ریسک موفق، با فرهنگ سازمانی یکپارچه و حمایت مستمر مدیریت ارشد پایدار می‌ماند.

- در نهایت، ساختار چندلایه نظارت ریسک، تاب‌آوری سازمان را در برابر نوسانات بازار و تصمیمات پرریسک به‌طور چشم‌گیری افزایش می‌دهد.



با تشکر از توجه شما

سازمان بورس و اوراق بهادار
SECURITIES & EXCHANGE ORGANIZATION